

نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان
و کاربرد آن‌ها در خمره و چکمه اثر هوشنگ مرادی کرمانی به زبان آلمانی
فرانک هاشمی^۱

CLLS-2402-1233

چکیده

در ایران، در مباحث ترجمه‌شناسی کمتر به نظریه‌ها و چارچوب‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان پرداخته شده است. مترجمان و مخاطبان همواره به اشتباه می‌پندارند که ترجمه کتاب‌های کودک و نوجوان، به دلیل زبان و ساختار ساده، آسان است، درحالی که باید عوامل متعددی را در نظر گرفت تا هدف نویسنده و متن محقق شود و تأثیر لازم را بر خواننده بگذارد. در این مقاله، به معرفی و بررسی تعدادی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان و بررسی ترجمه آلمانی دو داستان "خمره" و "چکمه" از هوشنگ مرادی کرمانی پرداخته شد. موضوع ترجمه عناصر فرهنگی، ترجمه‌ناپذیری واژگان و اصطلاحات با توجه به محتوای داستان‌ها و توصیف بافت سنتی و فرهنگ بومی، برجسته شد؛ شیوه ترجمه برخی از این عناصر و راهکارهای مترجم بررسی و به پرسش‌های کلیدی در مبحث ترجمه‌شناسی، از جمله نوع ترجمه و آیا متن‌محور یا بومی‌سازی شده، پاسخ داده است. بررسی نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان و تحلیل ترجمه‌های آلمانی خمره و چکمه بر اساس آن‌ها نشان داد که این ترجمه‌ها تا حدودی آزاد است، بسیاری از موارد فرهنگی بومی‌سازی شده و برخی مکالمه‌ها و توصیف‌های طولانی، خلاصه یا حذف گردیده است. **واژگان کلیدی:** ترجمه کتاب کودک و نوجوان - مرادی کرمانی - چکمه - خمره - ترجمه آلمانی عناصر بومی و فرهنگی

دوره بیست و یکم شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، گروه زبان و ادبیات آلمانی، (نویسنده مسئول) ایمیل:

f.hashemi@atu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-0622-2205>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۱. مقدمه

ترجمه متون با محتوای بومی و فرهنگی همواره برای مترجمان، چالش بزرگی بوده و هست. در این راستا به نظر می‌رسد با دو مشکل روبرو هستیم: درک درست مترجم از متن اصلی و برگردان صحیح و قابل‌درک عناصر بومی و فرهنگی به زبان مقصد. در مباحث ترجمه‌شناسی، کمتر به نظریه‌ها و چارچوب‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان پرداخته شده است. در ادبیات کودک و نوجوان، ظرافت‌های دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارتند از: دایره واژگان، ساختار و سبک زبانی، سطح تجربه زیسته اجتماعی و فرهنگی مخاطب کم‌سن و... این ویژگی‌ها و نظریه‌های مرتبط با ساختارها و روش‌های ترجمه آن‌ها از دیدگاه نظریه‌پردازان ترجمه آثار ادبی کودک و نوجوان، از جمله رایس، اویتینن، پوورتینن، ونوتی، کلینگرگ و سایرین، در این مقاله بیان می‌شوند.

در ادامه، دو نمونه از ترجمه‌های داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی به زبان آلمانی، بر اساس نظریه‌ها و عناصر مرتبط با ترجمه ادبیات کودک و نوجوان مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ خمره و چکمه که ترجمه هر دو داستان از خانم مهرآفاق گالنباخ‌راست. مرادی کرمانی نویسنده‌ای است که در حوزه کتاب کودک و نوجوان در جهان شناخته شده، آثارش به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و جوایز متعدد ادبی دریافت نموده است. دو اثر خمره و چکمه او به زبان آلمانی ترجمه شده که به دلیل جایگاه ادبی و جهانی، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کتاب خمره در سال ۱۹۹۴ در فهرست منتخب "جایزه کتاب نوجوانان آلمان" قرار گرفت. هیئت داوران دلیل این انتخاب را چنین بیان کردند:

هنگامی که خمره، ظرفِ آبی سفالی، در یک مدرسه ابتدایی ایرانی تَرک خورد، تمام روستا به هم ریخت. معلم جدید و جوان مدرسه ضمن تلاش برای تشویق دانش‌آموزان و والدینشان به تعمیر و سپس خرید خمره‌ای نو، با عدم درک و تردید مواجه می‌شود. سوءتفاهم‌ها از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و بی‌اعتمادی گسترش می‌یابد. این سردرگمی به نوعی کم‌دی تبدیل می‌شود تا سرانجام ماجرا به نقطه عطفی می‌رسد. این نویسنده ایرانی با جدیت طنزآمیزی، زندگی مدرسه و روستایی را روایت می‌کند که در آن برخی رویدادها متفاوتند و آب در شیر آب جریان ندارد.

پرسش‌های اصلی این بررسی عبارتند از:

- آیا مترجم در درک معنای متن فارسی و انتقال آن به زبان آلمانی، به‌درستی موفق عمل کرده یا خیر؟
- آیا ترجمه متن‌محور است یا مترجم آن را به فرهنگ زبان مقصد نزدیک کرده است؟
- مترجم برای دستیابی به هدف خود از چه روش‌ها و راهکارهایی استفاده نموده است؟
- آیا ترجمه‌های آلمانی دو اثر خمره و چکمه در سطح ادبیات نوجوان، در کنار ارزش ادبی دو اثر، برای انتقال ویژگی‌های سنتی و فرهنگی، نمونه‌های موفق هستند؟

برای دستیابی به نتایج دلخواه، بخش‌هایی از هر دو متن با ساختار زبانی و فرهنگی ویژه، انتخاب و ترجمه آن‌ها با تکیه بر نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان بررسی خواهد شد. در زمینه ترجمه ادبیات کودک و نوجوان نیز با موضوع ترجمه عناصر فرهنگی و گاه ترجمه‌ناپذیری واژگان و اصطلاحات مواجه هستیم. در این مقاله شیوه رویارویی مترجم و نوع راه‌حل‌های این مشکل، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش مقایسه متن فارسی و ترجمه آلمانی، نگارنده برخی از نمونه‌های آلمانی را برای بیان بهتر توضیحات به‌صورت تحت‌اللفظی و تا حد امکان نزدیک به ترجمه آلمانی، به فارسی برگردانده است.

۲. پیشینه، روش و چارچوب نظری پژوهش:

۲.۱. پیشینه پژوهش:

اطهارای نیک‌عزم و بلوکات (۱۳۹۲) در «ترجمه عناصر فرهنگی از زبان فارسی به زبان فرانسه: تحلیل و بررسی ترجمه نشانه‌های فرهنگی در داستان مهمان مامان اثر هوشنگ مرادی کرمانی» با کمک «نظریه معناشناسی زاویه دید» به بررسی امکان‌پذیری ترجمه نشانه‌های فرهنگی و معنای غیرصریح یا تلویحی آن‌ها و چگونگی تحقق چنین ترجمه‌ای پرداختند.

علوی و زینالی (۱۳۹۳) در «بررسی چگونگی تقابل فرهنگ‌ها در ترجمه گفتار تعارف‌آمیز با تأکید بر ترجمه فرانسوی داستان مهمان مامان، اثر هوشنگ مرادی کرمانی» به تأکید بر ضرورت انتقال ابعاد فرهنگی با توجه به نظریه ژرژ مونن، تأثیر شناخت عوامل فرازبانی در ترجمه‌پذیری اثر، انتقال و تعامل‌های فرهنگی ناشی از

برگردان اثر و چگونگی رفتار مترجم با پیچیدگی‌های زبانی و معنایی این شیوه گفتار در ترجمه فرانسه این اثر پرداخته‌اند.

طباطبائی و اشراقی (۱۳۹۹) در «بررسی ترجمه مقوله‌های فرهنگی در کتاب» شما که غریبه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی با تکیه بر چهارچوب نظری پیتر نیومارک، با استفاده از نظریه‌های نیومارک درباره انتقال فرهنگ و معنا، به بررسی راهبردهایی پرداخته‌اند که میترا فرزاد، مترجم اثر به زبان فرانسه، برای ترجمه متن به کار برده است. نگارنده مقاله به پژوهش‌هایی درباره تطبیق و بررسی و نقد ترجمه آثار مرادی-کرمانی به زبان آلمانی و براساس نظریه‌های ترجمه آثار کودک و نوجوان، برخورد کرده است.

۲.۲. ویژگی‌ها و نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان:

۲.۲.۱. رایس

تعریف کاتارینا رایس از ادبیات کودک و نوجوان چنین است: ادبیات برای کودکان و نوجوانان [...] نه آن کتاب‌هایی که نوجوانان خوانده‌اند [...]. بلکه آن ادبیاتی که برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است (رایس، ۱۹۸۲). او یکی از دشواری‌های کار مترجم کتاب کودک و نوجوان را یافتن سطح زبانی مخصوص هر گروه سنی می‌داند؛ ضمن این‌که باید از واژگان و ساختارهای رایج و کاربردی شناخت کافی داشت. نکته دوم نقش میانجی مترجم است که باید با توجه به جنبه‌های آموزشی و تربیتی، برخی نکات فرهنگی، تابوها و ... را با ساختار فرهنگی محیط زندگی کودک مخاطب، تطبیق دهد یا حتی بنابر شرایط، مواردی را حذف کند. مشکل سوم مترجم، مواجهه با عناصر ناآشنا برای کودک است؛ زیرا کودک به دلیل عدم آشنایی کافی با ساختارهای زبانی و محتوایی، تجربه زندگی و جهانی محدودی دارد. هنگام ترجمه باید ساختار و بافت اجتماعی-فرهنگی جامعه زبان مقصد در نظر گرفته و بر اساس آن، تغییراتی از متن مبدا به زبان مقصد اعمال شود (رایس، ۱۹۸۲). رایس به دسته‌بندی متون زبان مبدا و چگونگی ترجمه آن‌ها در حوزه کودک و نوجوان نیز اشاره می‌کند. از دیدگاه او سه نوع متن داریم: متن حاوی اطلاعات، متن بیانگر احساسات و متن کاربردی (رایس، ۱۹۸۲ ص ۹). رایس بر کودک‌بودن مخاطب ترجمه‌های کتاب کودک تأکید دارد. با توجه به ضرورت قابل‌درک بودن متن برای مخاطب زبان مقصد و با در نظر گرفتن میزان

فاصله‌گیری مترجم از متن اصلی، محتوا و فرم، بهتر است عنوان "اقتباس یا بازنویسی"، "نطباق" یا حتی "اقتباس آزاد" برای این شیوه از ترجمه در نظر گرفته شود (رایس، ۱۹۷۱).

۲.۲.۲. اویتینن

ریتا اویتینن، نویسنده و مترجم فنلاندی، ادبیات کودک را نوعی از ادبیات می‌داند که یا برای کودک نوشته شده یا توسط کودک خوانده شود (اویتینن، ۲۰۰۰). وی درباره ترجمه ادبیات کودک، معتقد است که مترجم وظیفه دارد به نویسنده متن وفادار باشد، نه متن مبدأ و متن مقصد باید برای خواننده جذاب باشد (به نقل از اُسالیوان، ۱۳۹۸، ص ۱۲۷). اویتینن نه از ترجمه ادبیات کودک، بلکه "ترجمه برای کودکان" سخن می‌گوید؛ یعنی ترجمه برای مخاطبی خاص و توجه به خواسته‌ها و توانایی‌های آنها (اویتینن، ۲۰۰۰).

۲.۲.۳. پورتنین و اُسالیوان

تینا پورتنین متخصص و مدرس فنلاندی رشته ترجمه‌شناسی و ترجمه ادبیات کودک، معتقد است برخلاف تصور عموم ترجمه کتاب کودک، به دلیل نقش تربیتی آن، دشوارتر، دقیق‌تر و با اهمیت‌تر از ترجمه کتاب بزرگسالان است. در ترجمه کتاب کودک با عوامل گوناگونی مواجه هستیم که جنبه انتقال مفاهیم فرهنگی دارند و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متغیر (پورتنین، ۲۰۰۶) و به دلیل محدودیت دایره واژگان کودک و تجربه زیسته او، انتقال برخی مفاهیم ناآشنا دشوار است. از جمله، ترجمه اسامی خاص، مکان‌ها، معیارهای سنجش طول و وزن ممکن است مانع درک کودک از کتاب شود. به نقل از پورتنین یک ترجمه متأثر از استانداردهای آموزشی-تربیتی، اعتقادی، اخلاقی و دینی است که در زمان و فرهنگی خاص، نقشی تعیین‌کننده دارد. انتظار می‌رود مترجم، قابلیت خواندن متن مبدأ را بدون تغییر به متن مقصد انتقال دهد (پورتنین، ۱۹۹۵). اُسالیوان نیز ضمن اشاره به این موضوع، تغییر در متن ترجمه ادبیات کودک را به دو دسته تقسیم می‌کند: تغییراتی با هدف ایدئولوژیکی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای «درست» فرهنگ مقصد و تغییراتی با هدف درک‌پذیری متن برای خوانندگان کم‌سن (اُسالیوان، ۲۰۰۵ و ۱۳۹۸).

متخصصان ترجمه ادبیات کودک و نوجوان با اشاره به اهمیت رویکرد هدف‌گرا در ترجمه، آزادی عمل بیشتری برای مترجم کتاب کودک قائل هستند. به نقل از (اویتینن

۲۰۰۶ و ۲۰۰۴) که معتقد به این رویکرد است، دانش پیش‌زمینه، فرهنگ، زبان، کودکی و تصویر کودکی در ذهن مترجم، بر ترجمه او تأثیر می‌گذارد و نقش مهمی در تعیین استراتژی‌های ترجمه دارد.

اُسالیوان ادبیات کودک را دارای جایگاه بین‌المللی و در دسترس همگان می‌داند. او از هزارد نقل می‌کند که کتاب‌های کودکان حس ملیت و در کنار آن، بشریت را زنده نگه می‌دارند. این کتاب‌ها توصیفی عاشقانه از سرزمین مادری خود و در کنار آن توصیفی از سرزمین‌های دور ارائه می‌کنند [...] (اُسالیوان، ۲۰۰۴).

همسان‌سازی در واقع انطباق متن با دانش و توانایی کودکان است و سازگاری در انطباق و درک کودکان از متن، نقش دارد. کودکان، سازگار و انعطاف‌پذیرند و برای مفاهیم و واژه‌های بیگانه و غیرقابل‌درک، تعبیر جدیدی ارائه می‌دهند و آن‌ها را آشنا و قابل‌درک می‌کنند. این دو فرایند مکمل هم شمرده می‌شوند. همسان‌سازی در سنین پایین‌تر مهم‌تر است و با افزایش سن مخاطب، به تدریج از اهمیت آن کاسته می‌شود (تامسن-ووهِلگموت، ۱۹۹۸). اگر مترجم در ذهن خود به دوران کودکی یا نوجوانی برگردد و علائق، خواسته‌ها و دانش آن زمان خود را مرور کند، قادر به ایجاد متنی متناسب‌تر برای کودک یا نوجوان و بر اساس نیازها و دانش او خواهد بود.

۲.۲.۴. ونوتی

ونوتی برخلاف سنت رایج انگلیسی-آمریکایی مبتنی بر 'بومی‌سازی'، طرفدار 'بیگانه‌سازی' است. او شکل‌گیری نظریه‌ها و شیوه‌های عملی ترجمه را که در مقابل بومی‌سازی ارزش‌های فرهنگی زبان مقصد قرار دارند و تفاوت‌های زبان‌شناختی و فرهنگی متن خارجی را مشخص می‌کنند، مهم می‌داند. این ارزش‌ها می‌توانند طی فرایند 'بیگانه‌سازی' مشخص شوند (ونوتی ۱۹۹۵). دو اصطلاح 'انطباق' و 'بومی‌سازی' یا 'بیگانه‌سازی' را ونوتی به‌نقل از شلایر مآخِر ذکر می‌کند (ونوتی، ۱۹۹۵).

۲.۲.۵. کلینگبرگ

کلینگبرگ نیز در ترجمه ادبیات کودکان از تکنیک انطباق سخن می‌گوید که رسیدن به درک بهتر کودک از اثر یا روان‌سازی متن هنگام خواندن، منجر به فروش بیشتر نیز خواهد شد. شیوه نگرش یک نویسنده یا ناشر با توجه به علایق، نیازها، واکنش‌ها، دانش، مهارت‌های خواندن و... از خوانندگان موردنظر و نتایج آن در اینجا، 'انطباق' و

اقتباس‌نامیده می‌شوند؛ انطباق بالا، خواندن متن را آسان‌تر و انطباق کم، قابلیت خواندن متن را دشوارتر می‌کند (کلینگیبرگ، ۱۹۸۶).

کلینگیبرگ درباره روش‌های بیان عناصر و مفاهیم ناآشنا در فرایند ترجمه، به شیوه‌های گوناگونی برای انتقال عناصر فرهنگی در ترجمه اشاره می‌کند:

- افزودن توضیح در متن
- حذف و تغییر موارد فرهنگی
- افزودن توضیحات خارج از متن، استفاده از پانویس و مقدمه
- انتقال معنی با استفاده از عبارت معادل در فرهنگ زبان مقصد
- ساده‌سازی مطلب فرهنگی مبدأ با یک عبارت کلی
- حذف کلمات، جمله‌ها، پاراگراف‌ها یا فصل‌ها
- بومی‌سازی (به نقل از اویتینن، ۲۰۰۰).

۲.۲.۶. نویمان

گردا نویمان مترجم ادبیات کودک و نوجوان، ضمن اشاره به مشکلات ترجمه و مترجمان ادبیات کودک، راه‌حلهایی برای برخی مسائل و ابهام‌ها پیشنهاد کرده که مشابه راهکارهای کلینگیبرگ هستند. درضمن، او استفاده از اصطلاحات محاوره‌ای رایج میان گروهی خاص یا زبان جوانان را رد می‌کند؛ زیرا چنین واژگان، اصطلاحات یا ساختارهایی اغلب تنها جنبه «مد» دارند و خیلی زود جای خود را به ساختارهای تازه‌تری می‌دهند؛ در مواردی این کاربردها حتی جایگزین ساده‌سازی و تطبیق متن می‌شوند. بهتر است با حفظ سبک زبانی کودک یا نوجوان، ساختارهای استاندارد و ماندگارتر به کار برد (نویمان، ۱۹۷۹).

در ادامه، بر اساس نظریه‌های رایج و بررسی‌شده ترجمه کتاب کودک و نوجوان، ترجمه‌های آلمانی خمره و چکمه اثر هوشنگ مرادی کرمانی معرفی و بر اساس ساختارهای ترجمه کتاب کودک، نقد می‌شوند.

- ترجمه‌های آلمانی خمره و چکمه از هوشنگ مرادی کرمانی
- خمره
- از خمره (Eines Morgens war die Chomreh leer) دو چاپ از ترجمه مهرآفاق

گالِنباخِرِ یافت شد:

- واینهایم: انتشارات بلتس
- وین: انتشارات یونگبرونن.
- هر دو چاپ ۱۹۹۳، ۹۵ صفحه

خانم رِناته وِلش، نویسنده و مترجم اتریشی ادبیات کودکان و نوجوانان، بازخوانی و ویرایش متن را برعهده داشت و در مقدمه کوتاهی با عنوان “آب زندگی است” به اهمیت آب، تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی در دسترسی و استفاده از آب و نیز جنبه آموزشی موضوع پرداخته و ذهن خواننده را تا حدودی با شرایط توصیف‌شده در داستان، آماده می‌سازد.

داستان فارسی این‌گونه آغاز می‌شود: “خمره شیر نداشت. لیوانی حلبی را سوراخ کرده بودند و نخ بلند و محکمی بسته بودند به آن.” (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۹).

آغاز ترجمه آلمانی قدری متفاوت و معنی تحت‌اللفظی آن چنین است: جلوی مدرسه ظرف [کوزه] آب بزرگی قرار داشت، خمره. لیوانی حلبی با بندی از آن آویزان بود.

در ادامه، صحنه آب‌خوردن دانش‌آموزان توصیف می‌شود. در مواردی طبق عادت و زبان گفتاری دانش‌آموزان، افعال به صورت جمع به کار رفته: “آقا، احمدی نمی‌گذارد ما آب بخوریم.” یا “آقا اجازه... ما تشنه‌ایم. هنوز آب نخورده‌ایم.” (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۹). این نوع جمله در کل متن آلمانی با فعل مفرد به کار رفته، زیرا کاربرد فعل جمع برای یک نفر در ساختار گفتاری زبان آلمانی رایج نیست.

اصطلاح‌هایی همچون انواع قَسَم به دلیل تَعَلُّق یا عدم تَعَلُّق به بافت فرهنگی، کاملاً متفاوت ترجمه شده‌اند:

”- نه آقا، به جان مادرم من به خمره سنگ نزدم. فقط گنجشک زدم.“ (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۱۲).

ترجمه تحت‌اللفظی آلمانی. قسم می‌خورم من نبودم آقا معلم! من فقط یک مرغ عشق را نشانه گرفتم!

در اینجا به نکته اشتباهی نیز در ترجمه برمی‌خوریم. به جای گنجشک، در ترجمه Wellensittich یا مرغ عشق به کار رفته، درحالی که معادل صحیح گنجشک به آلمانی Spatz است.

شیوه و زمان معرفی برخی شخصیت‌های داستان نیز جالب است. در صفحه ۱۷،

آغاز فصل دوم می‌خوانیم: «سر شب، آقای صمدی در اتاقش را بست. چراغ دستی را برداشت و همراه محمود رفت خانه قنبری.» (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۱۷). در صفحه ۵۳ هویت محمود برای خواننده آشکار می‌شود: «محمود هر شب می‌آمد اتاق آقای صمدی می‌خوابید که تنها نباشد. سلمانی آبادی بود. جوان بود و زن و بچه نداشت.» (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۵۳). در ترجمه آلمانی این معرفی، آغاز فصل دوم در صفحه ۱۴، که نخستین بار از محمود نام برده می‌شود، صورت می‌گیرد:

معادل فارسی ترجمه: *اول شب آقای صمدی به راه افتاد تا با پدر احمد صحبت کند. محمود، سلمانی روستا همراهی‌اش می‌کرد. خانواده نداشت و با آقای معلم با هم در یک آپارتمان زندگی می‌کردند.*

تفاوت‌های دیگر، تغییر نام‌ها و خطاب‌هاست؛ در فارسی «بابای قنبری»، اما در آلمانی «آقای قنبری (Herr Ghanbari) آمده؛ در فارسی آمده «رفت به خانه قنبری»، یعنی شاگرد مدرسه احمد قنبری، اما در متن آلمانی نام کوچک او ذکر و اشاره شده معلم قصد گفت‌وگو با «پدر احمد» را دارد. متن فارسی دقیقاً بیان می‌کند که معلم در اتاقی در مدرسه زندگی می‌کند، در حالی که در ترجمه آلمانی، آپارتمان و اتاق آقای صمدی در آن بارها مطرح می‌شود:

برایتان نامه‌ای رسیده. آن را در اتاقتان گذاشتم و آپارتمان را هم مرتب

کردم.

در متن آلمانی فقط نامه ذکر شده، اما فعل به‌کاررفته برای آن (gestellt- stellen) در زبان آلمانی برای گذاشتن یا قراردادن اجسام یا وسایل حجیم به‌کار می‌رود. برای نامه باید از فعل «legen- gelegt» یعنی گذاشتن چیزی تخت و ماس بر سطح و فاقد حجم و برجستگی، مثل کاغذ یا نامه، استفاده می‌شد. این جمله در متن فارسی چنین آمده: «برایتان کاغذی از شهر آمده، بسته‌ای هم فرستاده‌اند؛ گذاشتم توی اتاقتان. اتاقتان را هم جارو کردم.» (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۵۳) و در ادامه محمود به خوانندگان معرفی می‌شود.

نمونه دیگری از عدم تطابق فرهنگی، ترجمه واژه «کدخدا» «مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۵۰ است که به‌جای معادل صحیح آن، ترجمه واژه) Bürgermeister مرادی کرمانی، ۱۹۹۶، ص (۳۰ به‌معنی شهردار به‌کار رفته است. در حالی که در زبان آلمانی واژه‌های مختلفی برای کدخدا داریم، از جمله Dorfvorsteher یا Dorfälteste. محتوای متن نیز قدری

تغییر یافته: آقای صمدی در امتداد رودخانه راه می‌رفت تا در مسیر خانه قنبری بتواند در آرامش فکر کند. در میانه راه به شهردار و چند مرد دیگر برخورد. بدین ترتیب، از ریش سفیدها که بزرگان روستا هستند نیز فقط به‌عنوان 'چند مرد دیگر' نام برده شده است.

بخش‌هایی از متن خلاصه یا حذف شده است. نمونه بارز آن بخش دوم فصل پنج 'زردهای تخم مرغ' است. معلم هنگام تعطیلی مدرسه به بچه‌ها دستور می‌دهد تخم‌مرغ‌هایی را که با خود آورده‌اند، به خانه ببرند. متن فارسی بچه‌ها پاسخ‌های مختلفی می‌دهند. متن آلمانی کوتاه شده و هیچ جمله بیانی در آن به‌کار نرفته و فقط این جمله آمده که برخی از دانش‌آموزان به‌هیچ‌وجه حاضر به پس‌گرفتن تخم‌مرغ‌ها نشدند. نام یکی از دانش‌آموزان دختری به‌نام لایلا کاملاً حذف شده است (م. ش. مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۴۸ - مرادی کرمانی، ۱۹۹۶، ص ۲۹).

در متن ترجمه آلمانی، هفت پانویس برای توضیح واژه‌هایی با ویژگی فرهنگی داریم؛ کلمه به‌صورت آوانویسی در متن به‌کار رفته است. به‌عنوان مثال:

• گیوه: دمپایی کتانی با کف چرمی

• نوروز: جشن سال نوی سنتی در آغاز فصل بهار.

در میان متخصصان و نظریه‌پردازان ترجمه، اختلاف‌نظر درباره چگونگی گنجاندن توضیحات اضافه در متون ترجمه وجود دارد. برخی قائل به ذکر توضیحات در پانویس هستند و برخی دیگر برای سهولت در خواندن و روانی متن، بر بیان یک جمله کوتاه در متن اتفاق نظر دارند. گاهی انجام روش دوم، نسبتاً دشوار است. در این داستان مترجم به‌سادگی می‌توانست توضیحات خود را در کنار واژه اصلی در متن بگنجاند.

در بخش‌های مختلف متن با مواردی از اشتباه یا عدم هم‌خوانی در ترجمه روبرو می‌شویم. شخصیتی به‌نام خاور خانم یک روز جمعه در آبادی به‌راه افتاد تا برای خرید خمره از اهالی پول جمع کند. به خانه "نرگس" که می‌رسد می‌گوید "آهای نرگس، سلام". در متن آلمانی چنین آمده: سلام نرگس خانم، روز زیبایتان بخیر. بعد قصد خود را می‌گوید و نرگس پاسخ می‌دهد: می‌دانی دستمان خالی است. خاور می‌گوید: «دستت کی خالی نیست!» (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۷۶). مترجم برداشت اشتباهی از این جمله داشته و به‌جای 'کی' یعنی 'چه زمانی'، 'کی' (یعنی چه کسی) ترجمه شده و می‌گوید اینجا چه کسی دستش خالی نیست؟! در ترجمه مکالمه‌ها نیز اصطلاح‌ها و ساختارهای تا

حدودی محاوره‌ای-روستایی به زبان گفتاری و سبکی رسمی‌تر تبدیل شده است. یکی از نمودهای تغییر در متن همراه با تطابق فرهنگی را در توصیف لقمه‌گرفتن و نان و حلوا خوردن آقای صمدی و محمود می‌بینیم:

”آقا قوطی حلوا را باز کرد. یک خرده حلوا برداشت و گذاشت روی تکه‌ای نان و خورد. یک لقمه هم داد به محمود. محمود لقمه را گرفت و خورد: چه حلوای خوبی است! شکرپیست.“ (مرادی کرمانی، ۱۴۰۱، ص ۵۵).

متن آلمانی این‌گونه است: جعبه [فلزی] را باز کرد و محمود را صدا زد. تکه‌ای حلوا روی برشی نان گذاشت، محکم لوله‌اش کرد و از وسط به دو قسمت تقسیم و به او تعارف نمود. محمود با اشتیاق می‌جوید و سپس گفت: چقدر خوش‌مزه بود. حتما حلوا-شکری بود.

زبان نقل‌قو

تسانه نورد در مقاله‌ای با ذکر مثال‌هایی از ترجمه به چند زبان گوناگون از داستان ”آلیس در سرزمین عجایب“ به این تفاوت‌ها پرداخته است (نورد، ۲۰۰۳). برخی نظریه‌ها حاکی از این است که اسامی خاص نباید ترجمه شوند. برخی با توجه به قائل شدن بار و معنای فرهنگی-اجتماعی برای اسامی، یافتن نمونه‌هایی مشابه در زبان مقصد را پیشنهاد می‌کنند و در برخی موارد به ترجمه تحت‌اللفظی اسامی برمی‌خوریم. نادیا کورت‌هالس در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با موضوع بررسی مجموعه سنت کُر اثر انید بلایتون، به بررسی جزئی ترجمه‌های این مجموعه به زبان آلمانی می‌پردازد و درباره ”بومی‌سازی“ به‌نقل از کروتس-آرنولد به اهمیت این شیوه ترجمه اشاره می‌کند. بر این اساس از دیدگاه راهکارهای بازاریابی، نوعی ”شخصی‌سازی با بار عاطفی“ صورت می‌گیرد که نتیجه آن همذات‌پنداری مخاطب متن ترجمه با شخصیت‌های تغییر نام و تا حدودی تغییر هویت یافته است (کورت‌هالس، ۲۰۱۲، ص ۸۴).

با توجه به نظریه‌های ترجمه کتاب کودک و نوجوان و مواردی که برای درک بهتر مطلب از سوی این مخاطبان باید در نظر داشت، ویژگی‌های ترجمه آلمانی داستان خمره را می‌توان چنین جمع‌بندی نمود:

- ترجمه نسبتاً آزاد است.
- تسلسل زمانی داستان در متن آلمانی رعایت نشده و مترجم در آن تغییراتی داده است.
- برخی مکالمه‌ها، توضیحات و تکرارها حذف و متن ساده‌سازی شده است.

- در ترجمه به مواردی از معرفی شخصیت‌ها، واژگان ناآشنا و توضیحاتی درباره آن‌ها برمی‌خوریم.
- به‌جای فرهنگ و سبک زندگی و اجتماعی معرفی‌شده در داستان، برخی عناصر فرهنگی آشنا برای مخاطب آلمانی‌زبان جایگزین شده‌اند.

چکمه

دومین داستان مرادی کرمانی با ترجمه آلمانی "چکمه" است. متن آلمانی کتاب چکمه (Der Stiefel) با تصویرگری خانم کریستینه سُرمان و ترجمه خانم مهرآفاق گالنباخِر در انتشارات یونگبرونن در وین منتشر شد. چاپ نخست سال ۱۹۹۵، ۳۲ صفحه، بازخوانی شد و ویرایش نهایی را خانم رِناته وِلش انجام داد.

از نظر ظاهری، کتاب آلمانی، مصوّر و بسیار جذاب است، در مقابل هر صفحه متن، صفحه کاملی از تصویر قرار دارد که هماهنگ با متن و دارای عناصری از فرهنگ شرقی طراحی شده تا حس و حال این فرهنگ به مخاطب آلمانی زبان انتقال یابد. متن را قابی شبیه به تذهیب دربرگرفته و در هر صفحه تغییر می‌کند. در پایان کتاب نام لیلا و مریم، شخصیت‌های اصلی داستان و در صفحه مقابل آن واژه چکمه با خط درشت و با هدف آشنایی مخاطبان با خط فارسی چاپ شده و صفحات کتاب، شماره‌گذاری نشده است. در ترجمه این داستان نیز از ابتدا با جابه‌جایی و تغییر محتوا مواجه هستیم. داستان فارسی این‌گونه آغاز می‌شود: «مادر لیلا، روزها، لیلا را می‌گذاشت پیش همسایه و می‌رفت سر کار. او توی کارگاه خیاطی کار می‌کرد. لیلا با دختر همسایه بازی می‌کرد. اسم دختر همسایه مریم بود. لیلا و مادرش در یکی از اتاق‌های خانه مریم زندگی می‌کردند. لیلا پنج سال داشت و مریم یک سال از او بزرگ‌تر بود.» (مرادی کرمانی).

آغاز ترجمه آلمانی این‌گونه است. لیلا پنج سالش بود. او و مادرش در اتاقی در خانه‌ای کوچک زندگی می‌کردند. مادر در یک خیاط‌خانه کار می‌کرد و لیلا روزها پیش خانواده‌ای که اتاق را به آن‌ها اجاره داده بودند، می‌ماند. این خانواده نیز یک دختر داشت. مریم یک سال بزرگتر از لیلا بود. این دو اغلب با هم بازی می‌کردند.

در زبان آلمانی برای کلمه دختر، دو واژه به‌کار می‌رود: "Mädchen" برای کودکی که دختر است و "Tochter" برای فرزند دختر. صفحه نخست متن در مکالمه لیلا و مادرش و درخواست لیلا برای خرید عروسک، مادر دلیل نخریدن عروسک را این‌گونه بیان می‌کند:

”برای اینکه تو دختر خوبی نیستی.“ مترجم آن را به این شکل آورده ”Weil du keine brave Tochter bist“ و برای دختر مفهوم دوم را آورده که صحیح نیست. در فارسی در چنین جمله‌ای دختر به معنای فرزندی از جنس دختر به کار نمی‌رود. دلیل خوب یا بد بودن، دختر بودن نیست، بلکه کودک خوب نیست. در زبان و فرهنگ آلمانی نیز چنین کاربردی رواج ندارد.

لیلا روز بعد همراه مادر به خرید رفت. یک جفت چکمه سبز انتخاب و امتحان کرد. پس از انتخاب نهایی فروشنده گفت: ”مبارک باشد.“ ترجمه متن آلمانی چنین است: خانم فروشنده با خوشحالی گفت: مبارک، خیلی لذتش را ببرید! با توجه به این که زبان آلمانی دارای سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی است؛ اسامی نیز در حالت مذکر و مؤنث تغییر می‌کنند. در اینجا مترجم فروشنده را، خانم در نظر گرفته است. در متن اصلی، صحبت از «دکان کفشدوزی» و فضای متن سنتی است و با توجه به زمان نگارش داستان و مروری بر تغییرات اجتماعی ایران، متوجه می‌شویم که آن زمان، فروشندگان خانم هنوز جایگاهی نداشتند و شاید اصلاً نبودند. کلمه ”Verkäuferin“ فروشنده خانم تکرار می‌شود. ادامه جمله، ترکیبی از اقتباس واژه بیگانه و جایگزینی اصطلاحی رایج در زبان آلمانی برای تبریک خرید کالایی نو و لذت بردن از آن است. لیلا گرسنه می‌شود و مادر کیک یزدی می‌خرد که با هم بخورند. مترجم آن را ”Butterkekse“ ترجمه کرده که معادل بیسکویت کُره‌ای است و امکان یافتن معادل نزدیک‌تری در آلمانی، مقدور بود. لیلا دمپایی به پا داشت که صندل معنی شد و به جای شاگرد راننده اتوبوس، واژه ”Schaffner“ به کار رفته که در واقع، به راننده قطار یا مسؤل کنترل بلیط در قطار گفته می‌شود.

ترجمه این متن نیز تقریباً همان ویژگی‌های ترجمه آلمانی داستان خمره را دارد: نسبتاً آزاد است و سعی شده متن به فضا و فرهنگ مقصد نزدیک شود. مترجم با توجه به آشنایی با فرهنگ ایرانی می‌توانست برخی واژه‌ها و اصطلاح‌ها یا فضاها را دقیق‌تر و نزدیک‌تر به متن اصلی ترجمه کند، اما ظاهراً هدف اصلی او جلب مخاطب جامعه و زبان مقصد بوده است.

نتیجه‌گیری:

بر اساس نظریه‌های ترجمه آثار کودک و نوجوان، مترجمان این آثار از یک سو با مشکلاتی مواجهند که شاید یافتن راهکار برای آن‌ها دشوارتر باشد؛ زیرا مخاطب کم‌سن

و سال به دلیل دایره واژگان محدودتر، شناخت کمتر ساختارهای زبانی، تجربه اجتماعی و فرهنگی کمتر از نظر خواندن و درک مطالب؛ با محدودیت‌های بیشتری نسبت به بزرگسالان روبروست. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان و مترجمان ادبیات کودک با استفاده از یافته‌های خود براساس همین تجربه‌ها، راهکارها و پیشنهادهایی ارائه داده‌اند که از ساده‌سازی زبان و متن، اقتباس، بازنویسی تا تغییراتی در مفاهیم و محتوای فرهنگی را شامل می‌شود. آنچه بسیاری از نظریه‌پردازان در تعریف ادبیات کودک اظهار داشته‌اند، تغییر اساسی محتوا، ساختار، اهداف و روند رشد فکری کودکان و نوجوانان به‌ویژه در دهه‌های اخیر است که بر ساختار و شیوه ترجمه نیز تأثیر می‌گذارد. هر یک از این تعاریف و نظریه‌های مرتبط با آن، موضوعی برای بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر است.

با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده، هدف از این پژوهش یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر بود: آیا مترجم در درک معنای متن فارسی و انتقال آن به زبان آلمانی موفق عمل کرده یا خیر؟ آیا ترجمه متن‌محور است یا مترجم آن را به فرهنگ زبان مقصد نزدیک کرده و در این راه از چه روش‌ها و راهکارهایی استفاده نموده؟ آیا ترجمه‌های آلمانی دو اثر خمره و چکمه برای انتقال ویژگی‌های سنتی و فرهنگی، نمونه‌های موفق هستند؟ بررسی انجام‌شده نشان داد که ترجمه‌های آلمانی دو داستان خمره و چکمه اثر هوشنگ مرادی کرمانی، تا حدودی با نظریه‌های ذکرشده، انطباق دارد. این متن تا حد زیادی تغییر یافته و برخی تکرارها، مکالمه‌ها و توصیف‌ها، کوتاه یا حذف شده‌اند. نام‌گذاری اشخاص و معرفی شخصیت‌ها در چند مورد با متن اصلی تفاوت دارد. ترتیب محتوایی داستان به‌طور کامل رعایت نشده و مترجم برخی صحنه‌ها را جابه‌جا یا کوتاه کرده؛ برای تعدادی از واژه‌های دارای بار فرهنگی، در پانویس توضیح مختصری داده است. بررسی چکمه نتایج مشابهی داشت. با توجه به کوتاه‌بودن داستان و زبان ساده‌تر آن، تغییرات کمتر بود. برای بیشتر عناصر فرهنگی، مترجم تلاش در بومی‌سازی محتوا داشته است. مترجم هر دو متن، یک نفر بود. در نتیجه، تا حد زیادی از شیوه و سبکی مشابه در ترجمه استفاده شده است. با توجه به جایگاه جهانی هوشنگ مرادی کرمانی به‌عنوان نویسنده آثار کودک و نوجوان، بررسی دقیق‌تر ساختار این دو اثر با توجه به نظریه‌های گوناگون در ترجمه‌شناسی و تقابل فرهنگی، تحلیل محتوایی و نقد ترجمه‌های نام‌برده، نتایج بیشتری بدست خواهد داد.

Theories of translation of children's and young adults' books and their application in Houshang Moradi kermani's stories "Khomreh" and "Chakmeh" in the German language

Faranak Hashemi¹

Abstract

Introduction: Translation of texts with cultural content has always been a big challenge for translators. We are facing two problems: the translator's correct understanding of the original text, and the correct and comprehensible translation of cultural elements. When dealing with literature for children and young adults, other subtleties must be considered, including vocabulary, language structure, and style, limited level of the social and cultural experience of the young audience. These features and theories related to their structures and translation methods are discussed in this article.

Moradi Kermani's stories in the German language "Khomreh" and "Chakmeh" are examined based on the theories related to the translation of children's and young adult literature.

The main questions are:

- Has the translator acted correctly and successfully in understanding the meaning of the Persian text and transferring it into German?
- Is the translation text-centered or has the translator brought it closer to the culture of the target language?
- What methods and solutions did the translator use to achieve his goal?
- Are the German translations of the two stories "Khomreh" and "Chakmeh" at the level of youth literature transferring traditional and cultural characteristics?

To achieve the desired results, parts of both texts that have a special linguistic and cultural structure will be selected and their translation analyzed based on the theo-

1. Assistant Professor of German Language and Literature. The University of Allameh Tabataba'i. Tehran- Iran

ries of translation of children's and young adults' books.

Method: Numerous definitions given by theorists of children's literature are introduced and analyzed, including definitions by Reiss, Oittinen, Puurtinen, Shavit, Klingberg, Venuti, and Neumann. It can be concluded that the structure of the translations for children and teenagers is different from those of adult texts. In this process, one should have the vocabulary, lived experience, and cultural and social development of the child, the level of familiarity with foreign cultures, specifically the culture related to the book in question, and other cases. Strategies that translators can use are adaptation, rewriting the text, localization, and using explanations in the text to simplify the understanding of the content for the child or teenage audience.

In the review and critique chapter, the German translation of "Khomreh" and "Chakmeh" was examined based on the method of translation, language structure, the translator's strategies in facing the cultural elements, and the removal of linguistic and cultural barriers. Both texts were translated into German by Mehrafaq Gallenbacher.

Results: In these two stories some conversations and scenes are shortened, many descriptions and repetitions common in Persian speech, and terms such as types of oaths that belong to a certain cultural context in different parts have been removed. Most of the proper names have remained the same. To clear the ambiguity of important cultural elements, brief explanations are given in the footnote. In a few cases, there are mistakes in the translation.

Discussion and conclusion: On one hand, translators for young audiences face issues that *may pose greater difficulty* in finding viable solutions. This is attributed to the fact that this younger audience possesses a more limited vocabulary concerning reading and comprehending content, has a less developed understanding of language structures, and lacks extensive social and cultural experiences compared to adults.

On the other hand, theorists and professional translators specializing in children's literature have leveraged their insights to propose solutions and recommendations for fellow translators. These range from simplifying the language and the text to changes in concepts and cultural content adapting, and rewriting.

The German text of "Khomreh" has been somewhat shortened and some repetitions, conversations, and descriptions have been removed or abbreviated. The naming of people and the introduction of characters in the story are different from the original text. The content order of the story is not fully respected and the translator has moved and/or integrated some scenes. He gave a brief explanation for several culturally charged words in the footnote. Examining the German translation of the text "Chakmeh" yielded similar results.

Considering the global status of Houshang Moradi Kermani as an author of works for children and young adults, a more detailed examination of these two works about various theories in translation studies will yield more interesting results.

References

- Alavi, Farideh; Zeinali, Savil: Examining how cultures clash in the translation of complimentary speech with an emphasis on the French translation of the story of Mom's Guest, by Houshang Moradi Kermani [Barresi chegunegi taghabol-e farhanha das tarjome goftar taarof-amiz ba takid bar tarjome faranse dastan-e "mehman-e maman" asar-e Hoshang Moradi Kermani]. *Language research. Alzahra University*. Vol. 6. Nr. 11. 1393. Pp. 135-162
- Athari nikazm, Marziyeh, Bolukat, Mina: Translation of cultural elements from Persian to French: Analysis and study of the translation of cultural signs in the story of Mom's guest by Houshang Moradi Kermani [Tarjom-eye anasor-e farhangi az zaban-e farsi be zaban-e faranse: tahlil va barresi-ye tarjomeye neshane-haye farhangi dar dastan-e "mehman-e maman" asar-e Hoshang Moradi Kermani]. *Language and Translation Studies LTS*. Vol. 46. Nr. 1. 1392. Pp. 133-149
- Deutscher Jugendliteraturpreis: <https://www.jugendliteratur.org/buch/eines-morgens-war-die-chomreh-leer-3584>, Accessed: 10.05.2023
- Klingberg, Göte: *Children's Fiction in the Hands of the Translators*. Malmö: Liber/Gleerup. 1986
- Korthals, Nadja: *Von St Clare's über Lindenhof nach Hogwarts - Die Besonderheiten der Übersetzung von Kinderliteratur und die Entwicklung eines Schemas zur Analyse kinderliterarischer Übersetzungen am Beispiel von Enid Blytons Mädchenbuchserie St Clare's in Deutschland*. Magisterarbeit. Hrsg. Ulrich Huse und Okke Schlüter, Stuttgarter Beiträge zur Verlagswirtschaft - Band 13. 2012
URL: http://www.hdm-stuttgart.de/mp/stuttgarter_beitraege/192.pdf [Accessed: 06.01.2024]
- Moradi-Kermani, Hushang: *Der Stiefel*, Aus dem Pers. Von Mehrafagh Galenbacher. Bildern von Christine Sormann. Wien: Jungbrunnen. 1995

- Moradi-Kermani, Hushang: *Eines Morgens war die Chomreh leer*. Aus dem Pers. Von Mehrafagh Gallenbacher. Weinheim & Basel: Beltz [1993 Wien: Jungbrunnen] 1996
- Moradi-Kermani, Hushang: *Khomreh*. Tehran: Mo'in. 22. Ed. 1401
- Moradi-Kermani, Hushang: *Chakmeh*. PDF. File. S.A.
- Neumann, Gerda: Probleme beim Übersetzen von Kinder- und Jugendliteratur. In: *Kinder und Jugendliteratur*. Hrsg. M. Gorschenek, A. Rucktäschel, München: Fink. 1979. pp. 115- 128
- Nord, Christiane: Proper Names in Translations for Children: Alice in Wonderland as a Case in Point. *Meta*, 48(1-2). 2003. pp.182-196, <https://doi.org/10.7202/006966ar>
- Oittinen, Riitta: The Verbal and the Visual: On the Carnivalism and Dialogics of Translating for Children. In: *The Translation of Children's Literature*. Edited by Gillian Lathey. 2006. pp. 84-97
- Oittinen, Riitta: Translating for Children - Theory. In: *International Companion Encyclopedia of Children's Literature*. Edited by: Peter Hunt, Vol.2. [Part V. National and International.]. 2004. pp. 901-912
- Oittinen, Riitta: *Translating for Children*. New York: Garland. 2000
- O'Sullivan, Emer: *Comparative Childrens Literature*. New York: Routledge. 2005
- O'Sullivan, Emer: Internationalism, the universal child and the World of children's literature. In: *International Companion Encyclopedia of Children's Literature*. Edited by: Peter Hunt. Vol.1. (second Edition) 2004. pp. 13-25
- O'Sullivan, Emer: *Comparative Childrens Literature*. [Adabiyat-e Tatbighi-ye kudakan]. Translation: Maryam Jalali, Mahboube Farhangi. Tehran: Kanoun parvaresh fekri Kudakan va nojavanan. 1398
- Puurtinen, Tiina: *Translating Children's Literature: Theoretical Approach-*

- es and Empirical Studies. In: *The Translation of Children's Literature*. Edited by Gillian Lathey. 2006. pp. 54-64
- Puurtinen, Tiina: *Linguistic Acceptability in Translated Children's Literature*. Joensuu: University of Joensuu. 1995
 - Reiss, Katharina: Zur Übersetzung von Kinder- und Jugendbüchern. In: *Lebende Sprachen - Zeitschrift für fremde Sprachen in Wissenschaft und Praxis*, Heft 1, XXVII Jahrgang. 1982. pp. 7-13
 - Reiss, Katharina: *Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik. Kategorien und Kriterien für eine sachgerechte Beurteilung von Übersetzungen*. München Hueber. 1971
 - Tabataba'i, Sara; Eshraghi, Mahshad: Studying the translation of cultural categories in the book "You Are No Stranger here", by Houshang Moradi Kermani based on the theoretical framework of Peter Newmark [Barresi tarjome maghule-haye farhangi dar ketab-e "shoma ke gharibe nistid" asar-e houshang-e moradi-kermani ba tekye bar charchub nazari Newmark] In: *French Language and Translation Research*. Vol.2. Nr.2. 1399 pp. 97-118
 - DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2021.70246.1010>
 - Thomson- Wohlgemuth, Gabriele: *Children's Literature and its Translation. An Overview*. [Postgraduate Diploma/MA in Translation] University of Surrey. 1998
 - Venuti, Lawrence: *The Translator's Invisibility - A history of translation*. London: Routledge. 1995